

نقد و معرفی کتاب

بولینگ یکنفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع امریکایی^۱

سید احمد فیروزآبادی

عنوان کتاب به معنای یکنفره شدن بازی‌های بولینگ در کشور امریکا است که این امر ناشی از رشد فردی شدن و کاهش سرمایه اجتماعی در کشور امریکا می‌باشد. نویسنده در نقل واقعه‌ای در ایالت میشیگان امریکا که در آن یک پیرمرد ۵۰ ساله بازنشسته و سیاه‌پوست که در لیست انتظار دریافت کلیه است از فردی دیگر که سفیدپوست و در سن ۳۳ سالگی است کلیه‌ای به صورت هدیه دریافت می‌کند و ریشه این اهدای کلیه علی‌رغم تفاوت‌های سنی، شغلی و نژادی، به سابقه عضویت هر دو در باشگاه بولینگ محل زندگیشان برمی‌گردد. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی در قالب و شکل هنجارهای معامله متقابل تعمیم‌یافته^۲ در یک اجتماع، باعث افزایش کارایی بیشتر نسبت به جامعه‌ای می‌شود که گرفتار بی‌اعتمادی است. دقیقاً به همان دلیل که پول کارایی بیشتری نسبت به مبادله پایاپای دارد و اگر دو طرف معامله به کالاهای یکدیگر نیاز نداشته باشند از طریق پول به عنوان واسطه عمل می‌نمایند و حجم مبادلات به مراتب بیشتر می‌شود، اعتماد نیز همانند پول در زندگی اجتماعی عمل نموده و تعامل فراوان در بین مردم گوناگون باعث ایجاد هنجار معامله متقابل تعمیم‌یافته گردیده و مشارکت مدنی و

1. Putnam, Robert D. 2000. Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon & Schuster.
2. Generalized Reciprocity Norms

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۶-۱۶۴

سرمایه اجتماعی باعث ایجاد تعهد متقابل و مسئولیت‌پذیری در انجام دادن اعمال و رفتارها می‌گردد. سرمایه اجتماعی واجد هر دو بعد فردی و جمعی بوده و قبل از هر چیز افرادی را بهره‌مند می‌سازد که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. بنابراین سرمایه اجتماعی هم کالای خصوصی^۱ و هم کالای عمومی^۲ است. گرچه مطالعات پاتنام در سطح کلان بوده، اما در این کتاب بر آثار و مزیت‌های سرمایه اجتماعی در سطح فردی و خرد تأکید دارد و پیدا کردن شغل، دستیابی به امتیازات و ترفیع شغلی، برخورداری از وام‌ها و پاداش‌ها در گروه‌های گوناگون قومی، مهاجران و... را ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی فرد می‌داند که حتی در مواقعی مؤثرتر از سرمایه‌های انسانی و مادی به‌شمار می‌رود. منتقدان وی معتقدند که از مجموعه سرمایه اجتماعی افراد و گروه‌های متعدد در قالب سرمایه اجتماعی درون‌گروهی^۳ متفاوت، که ناشی از منابع محدود اقتصادی-اجتماعی و رقابتی جامعه در بین افراد، گروه‌ها و طبقات با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی متفاوت و نتیجتاً منابع اقتصادی-اجتماعی ناهمسان است، خیر عامه چگونه ایجاد می‌شود؟ پاتنام معتقد است که گرچه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در گروه‌های مختلف قومی، سنی، جنسی، طبقاتی و... ممکن است باعث شکل‌گیری خودهای انحصاری^۴ و تنگ‌نظرانه^۵ شود، اما سرمایه اجتماعی بین‌گروهی^۶ باعث اتصال افراد غیر مشابه از بخش‌های گوناگون جامعه با هویت‌های باز و خالی از تعصب به یکدیگر می‌گردد و اگرچه این دو نوع سرمایه بسیار مهم هستند، اما جایگزین یکدیگر نبوده و در جامعه از هم جدا نیستند بلکه با آمیزه‌ای از آن‌ها در گروه‌های اجتماعی روبه‌رو هستیم و از کم و زیاد شدن این دو نوع می‌توان بحث کرد.

بنابراین وی، در پاسخ به این پارادوکس معتقد است که گرچه شما می‌توانید مطمئن باشید که دستیابی به شبکه اجتماعی در بعد فردی کاملاً به نفع شماست، اما این مسئله کاملاً روشن نیست که آیا این امر شما را در به چنگ آوردن سهم بیشتری از «کیک ثابت» توانا می‌سازد، یا این‌که اگر همه شبکه‌های اجتماعی غنی در اختیار داشته باشیم [مجموع درون‌گروهی و بین‌گروهی] سرمایه اجتماعی در شکل مفید و متوازن خود از هر نوع باعث افزایش کارایی اقتصادی [افزایش حجم کیک] خواهد شد و همه از آن سود خواهند برد و اگر ضعیف و خشک گردد همه بهای آن را خواهند پرداخت یا نه.

پاتنام در بخش دوم به بررسی روند مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی در آمریکا می‌پردازد،

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| 1. Private goods | 2. Public goods |
| 3. Bonding Social Capital | 4. Exclusive |
| 5. Narrow Selves | 6. Bridging Social Capital |

در بعد مشارکت‌های مدنی (رسمی) و سرمایه اجتماعی با بررسی مفصل نتایج تحقیقات فراوان کاهش سرمایه اجتماعی، به شکل کاهش مشارکت سیاسی و اعتماد به حکومت، کاهش میانگین میزان عضویت در انجمن‌ها در کل و انجمن اولیا و مربیان، کاهش مشارکت سازمانی فعال، کاهش حضور در باشگاه‌ها و در یک کلام کاهش مشارکت مدنی می‌بیند. (به‌زعم وی، گرچه ممکن است عضویت در برخی از سازمان‌ها مانند انجمن بازنشستگان امریکا، گروه‌های فمینیستی و یا سازمان ملی زنان افزایش یافته باشد، اما اعضا معمولاً کمتر با یکدیگر ارتباط داشته و به خواندن روزنامه و یا پرداخت حق عضویت اکتفا نموده و هیچ‌گونه تعامل فعالی ندارند).

در مورد چرایی کاهش سرمایه اجتماعی چند علت عمده ذکر شده است:

اول، تأثیر فشارهای زمانی و اقتصادی که مخصوصاً تأثیر خاصی در خانواده‌هایی که والدین هر دو شاغل‌اند، برجای گذاشته است و به نظر پاتنام در ظرف این سال‌ها این فشارهای زمانی و اقتصادی نقش کاهش‌دهنده‌ای بر مشارکت اجتماعی داشته است؛ وی ده درصد از کاهش سطح مشارکت و سرمایه اجتماعی را ناشی از این عامل می‌بیند. امریکایی‌ها بین نیمه دهه ۶۰ تا نیمه دهه ۹۰ تا حدود ۵۰ درصد احساس فشار (زمانی-اقتصادی) بیشتری می‌کنند. از طرف دیگر، در این سال‌ها شاهد حضور زنان در نیروی کار هستیم. در دو سه دهه اخیر میلیون‌ها زن از خانه‌ها به بازار کار دستمزدی منتقل شدند و به‌زعم پاتنام این حضور زنان باعث شد که زمان و انرژی لازم در ساخت سرمایه اجتماعی مخصوصاً مشارکت در سازمان‌هایی کاهش یابد که زنان نقش فعال‌تری در آن‌ها داشته‌اند مانند: انجمن اولیا و مربیان، فدراسیون باشگاه‌های زنان و صلیب سرخ.

بحث اصلی پاتنام این است که کاهش در مشارکت مدنی و ارتباطات اجتماعی به‌طور یکسان هم برای مردان و هم برای زنان، مجردها و متأهلان، شاغلان و غیر شاغلان و آنانی که از لحاظ مالی در فشار بوده‌اند و آن‌هایی که در فشار نبوده‌اند، وجود داشته است. اما، همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، ظهور خانواده‌هایی که هر دو شاغل بوده‌اند در بیست و پنج سال آخر قرن نقش مؤثری در کاهش مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی داشته است.

دوم، حومه‌نشینی و پراکندگی شهری به‌عنوان یک عامل مؤثر، که حدوداً ۱۰ درصد در کاهش سرمایه اجتماعی نقش دارد. پاتنام، تأثیر حاشیه‌نشینی و پراکندگی جمعیت را در کاهش مشارکت مدنی در سه یا چهار دهه اخیر به سه دلیل ذکر می‌کند:

اول، حومه‌نشینی میزان زیادی از وقت افراد را به خود اختصاص می‌دهد. بیشتر وقت به تنهایی در اتومبیل صرف می‌شود و بنابراین وقت کمتری با دوستان و همسایگان و یا در

نشست‌های عمومی برای طرح‌های اجتماعی و... صرف می‌شود. دوم، پراکندگی و حومه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌گردد و همگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه برای مشارکت مدنی می‌گردد و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط طبقاتی و نژادی محدود می‌گردد.

سوم، از همه مهم‌تر، پراکندگی و حومه‌نشینی باعث از بین رفتن بستگی درونی اجتماع می‌گردد. زمان سفر از حومه به شهر و بالعکس تا حدود زیادی باعث افزایش جدایی بین کار، منزل و مغازه می‌گردد.

سوم، تأثیر سرگرمی‌های الکترونیکی و از همه بیشتر تلویزیون در خصوصی کردن اوقات فراغت بسیار مهم بوده است و این عامل ۲۵ درصد کاهش میزان سرمایه اجتماعی را باعث شده است. در خصوصی شدن و فردی شدن اوقات فراغت و از بین رفتن فرصت‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در این اوقات، تلویزیون نقش چشمگیری داشته است. کاربران افراطی تلویزیون و دیگر وسایل الکترونیکی سرگرم‌کننده به‌طور مسلم از جامعه خود جدا، منفعل و به آن بی‌علاقه هستند. البته این به آن معنا نیست که در صورت حذف تلویزیون آنان قطعاً اجتماعی‌تر می‌شوند. بلکه حداقل می‌توان گفت که تلویزیون و سایر وسایل الکترونیک مشابه (رسانه‌ها) شریکی در راز مدنی^۱ که پاتنام در صدد حل آن است به حساب می‌آیند. گرچه عامل اصلی نباشد.

چهارمین، و شاید مهم‌ترین عاملی که پاتنام در مطالعات خود به‌عنوان عامل کاهش سرمایه اجتماعی به آن اشاره کرده است، بحث تغییرات نسلی است. به گونه‌ای که فرآیند آرام، مستمر و ناگزیر جایگزینی نسل گذشته با فرزندان و نوه‌های کمتر مشارکت‌پذیر آنان در این امر مؤثر می‌باشد. وی این عامل را تا ۵۰ درصد در کاهش مشارکت‌های مدنی و سرمایه اجتماعی مردم امریکا مؤثر می‌داند.

پاتنام در بررسی پویایی چگونگی شکل‌گیری مشارکت مدنی در چند دهه اخیر را بیشتر توسط نفوذ ارزش‌ها و عادات اجتماعی ناشی از تحولات عظیم نیمه قرن تبیین می‌نماید. وی جنگ را عاملی تأثیرگذار در مشارکت مدنی به حساب می‌آورد. برای مثال، تغییر نسل در تبیین کاهش حضور در کلیسا خیلی تأثیرگذار است و در تبیین کاهش دید و بازدید دوستان کمتر اهمیت دارد.

پاتنام در بخش چهارم کتاب خود به بررسی سرمایه اجتماعی در ایالت‌های مختلف

1. Civic Mystery

آمریکا پرداخته است و از طریق شاخص سنجش سرمایه اجتماعی سطح سرمایه اجتماعی رادر هر ایالت بررسی کرده است. عمده‌ترین عناصر در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی در پنج محور عمده به شرح ذیل خلاصه می‌شوند:

۱) **زندگی سازمانی:** شامل درصد حضور در سازمان‌های محلی در یک‌سال گذشته، درصد خدمات در سازمان محلی یا باشگاه به‌عنوان متصدی در یک‌سال گذشته، تعداد سازمان‌های اجتماعی و محلی به ازای هر یک‌هزار نفر سکنه، میانگین تعداد حضور در نشست‌های عمومی باشگاه‌ها و... در سال گذشته و میانگین تعداد عضویت در گروه‌ها می‌باشد.

۲) **مشارکت در امور عمومی:** از طریق بررسی آمار و ارقام شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و میزان درصد حضور در یک نشست عمومی در شهر یا امور مدرسه در سال گذشته به‌دست آمده است.

۳) **مشارکت در امور داوطلبانه:** شامل تعداد سازمان‌های غیردولتی به ازای هر هزار نفر، میانگین تعداد دفعات شرکت فرد در طرح‌های اجتماعی در سال گذشته و میانگین تعداد دفعات کار داوطلبانه فرد در یک‌سال گذشته می‌باشد.

۴) **انجمن‌پذیری غیررسمی:** شامل مقدار زمان صرف‌وقت در ملاقات با دوستان و میانگین تعداد میهمانی در منزل ظرف یک‌سال گذشته می‌باشد.

۵) **اعتماد اجتماعی:** میزان موافقت با این دو گویه: «اکثر مردم قابل اعتماد هستند» و «اکثر مردم راستگو هستند». از مجموع بررسی پنج شاخص فوق‌نمره سرمایه اجتماعی برای هر ایالت به‌دست آمده است و پاتنام در بررسی خود معتقد است که میزان بالای سرمایه اجتماعی در ایالت‌های مختلف باعث ایجاد یک قدرت جادویی می‌گردد. وی دلایلی را برای سخنان خود به شرح ذیل می‌آورد:

۱. سرمایه اجتماعی باعث حل مسائل جمعی می‌گردد. معماهای کنش جمعی ازجمله مسائل موجود بر سر راه دانشمندان اجتماعی بوده است. مسئله «کنش جمعی»، «معمای زندانی» و «سواری مجانی» که نام‌های متفاوت دارند ولیکن همگی از یک نوع هستند، و به این معنی است که اگر مردم (در حفظ نفع یا خیر عمومی که غیرقابل تقسیم و محروم کردن است مثل: هوای پاک یا محیط زیست سالم) با یکدیگر همکاری کنند و هر یک سهم خود را انجام دهد از وضع بهتری برخوردار خواهند بود. اما هر نفر از کار شانه خالی می‌کند به این امید که دیگری کار خود را انجام می‌دهد و اگر وی نیز کار خود را انجام ندهد آن‌گاه احساس ضرر کمتری خواهد کرد تا این‌که دیگران انجام ندهند و وی به تنهایی فقط وظیفه خود را انجام دهد. از طرف دیگر، سازوکار نهادی شدن باعث می‌گردد که رفتار جمعی قابل قبول از سوی همگان مورد قبول قرار

گیرد و شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی که باعث تضمین آن‌ها می‌شود، در شکل‌گیری چنین سازوکاری مؤثرند.

۲. سرمایه اجتماعی باعث تسهیل گردش چرخ‌هایی می‌شود که اجازه پیشرفت همسان و یکنواخت جوامع را می‌دهد. جایی که مردم به یکدیگر اعتماد داشته باشند و تعاملات مورد انتظار شهروندان را تکرار نمایند، تجارت روزانه و تعاملات اجتماعی کمترین میزان هزینه را خواهد داشت و دیگر نیازی به صرف وقت و پول برای اطمینان حاصل نمودن از تعهدات طرف مقابل در انجام دادن معاملات نیست.

۳. سرمایه اجتماعی باعث بهبود وضعیت و بخت و اقبال نیز می‌گردد به صورتی که با گسترش آگاهی از راه‌های مختلف و توانایی‌هایی که به یکدیگر متصل هستند، کسانی که فعال بوده و در ارتباط مبتنی بر اعتماد با دیگران هستند - خواه اعضای خانواده، دوستان و یا سایرین - ویژگی و توانایی مفیدی را که از آن برخوردار هستند برای دیگر افراد گسترش داده یا حفظ می‌نمایند. افرادی که با یکدیگر ارتباط دارند از تسامح و انعطاف بیشتری برخوردارند، خودخواهی کمتری دارند و از همنوایی و همدلی بیشتری برخوردارند. وقتی افراد ارتباطشان با دیگران کم می‌شود، کمتر می‌توانند راستی و صداقت خود را در دادوستد و گفت‌وگوها درک کنند و در چنین شرایطی مردم کمتر هرز می‌روند. ضمن این‌که شبکه باعث اطلاع‌رسانی در رسیدن به اهداف می‌گردد که یک نمونه آن برای مثال در شغل یابی می‌باشد.

پاتنام در بررسی سرمایه اجتماعی و این‌که چرا برخی از ایالات از نمره بالایی برخوردارند و برخی دیگر خیر، دو دلیل عمده ذکر می‌کند. دلیل اول، به بحث ریشه‌های تاریخی باز می‌گردد که وی به نوعی در کارهای توکویل در سفر دهه ۱۸۳۰ به امریکا ملاحظه می‌نماید و آن ملاحظه کاهش رفتارهای مدنی در جنوب آمریکا است که ناشی از کاهش تعداد مهاجران برخوردار از مدنیت در آن‌جا بوده است؛ و دلیل دوم، به سابقه برده‌داری ایالت‌های جنوبی در نیمه قرن نوزده برمی‌گردد، که تأثیرات خود را بر کاهش سطح سرمایه اجتماعی در آخر قرن بیستم گذاشته است. به گونه‌ای که تأثیر تخریبی نظام برده‌داری بر روی سرمایه اجتماعی در حال حاضر به چشم می‌خورد و بعد از رهایی از دست طبقات مسلط، جنوب همچنان به‌طور مؤثری در جهت حفظ منافع خود از شکل‌گیری شبکه‌های افقی جلوگیری می‌نماید. بنابراین، پاتنام الگوهای مهاجرتی و سابقه برده‌داری را تنها عوامل تبیین تمایزات سطح سرمایه اجتماعی در زمان حاضر دیده و آن را موضوعی قابل بررسی می‌بیند که جای بحث جداگانه‌ای برای آن قائل است.

پاتنام از فصل ۱۷ تا ۲۱ به منافع فردی و اجتماعی سرمایه اجتماعی اشاره دارد. وی

همبستگی‌های معنی‌داری بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش تماشای تلویزیون توسط کودکان، کاهش جنایت‌های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ و میر، بهبود وضع سلامت و بهبود احساس خوشبختی ملاحظه می‌نماید. پاتنام در بحث تأثیر سرمایه اجتماعی بر دموکراسی معتقد است که با افزایش سرمایه اجتماعی و تعهد مردم در پرداخت مالیات‌ها و عوارض که رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد طبیعتاً کارایی حکومت و نهادهای مدنی افزایش می‌یابد. وی بحث رابطه مشارکت مدنی با کارایی حکومت را مطرح می‌کند که البته تحقیقی در این زمینه در امریکا صورت نگرفته است، اما خود پاتنام از سال ۱۹۷۰ تا دهه ۹۰ تحقیقات وسیعی بر روی تأثیر سرمایه اجتماعی و نقش آن بر روی کارایی نهادی در نقاط مختلف ایتالیا انجام داده و نتیجه گرفته که هر جا سرمایه اجتماعی از میزان بیشتری برخوردار بوده بر کارایی نهادی و حکومت خوب تأثیر مثبت داشته است.

پاتنام در فصل ۲۲ کتاب خود به بخش تاریک سرمایه اجتماعی اشاره دارد و معتقد است که ترکیب نامتوازن دو بعد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی ممکن است باعث کاهش مدارا و انعطاف بین گروه‌های مختلف گردد. وی سرمایه اجتماعی را شامل هر دو بعد می‌داند و رابطه آن را با تساهل که بیشتر با بعد دوم سرمایه اجتماعی نزدیک است در چهار شکل تشخیص می‌دهد.

	سرمایه اجتماعی پایین	سرمایه اجتماعی بالا
تساهل بالا	فردگرایی، هرکس هرچه می‌خواهد انجام دهد.	اجتماع مدنی
تساهل پایین	هرج و مرج، جنگ همه با همه	اجتماع فرقه‌گرا

مطالعات وی در مورد جامعه آمریکا نشان داده است که شاخص سرمایه اجتماعی با انعطاف و مدارا در تفاوت‌های جنسی، نژادی و آزادی‌های مدنی در ایالت‌ها همبستگی مستقیم و مثبت دارد. از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی با برابری در توزیع درآمد و شاخص برابری مدنی رابطه مثبت و مستقیمی دارد که این موضوع نیز از تساهل و برابری‌طلبی این مفهوم حکایت دارد.

پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی در دو بعد لازم است. بعد اول، بیشتر در ابعاد کوچک‌تر فردی و تربیتی در شکل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مفید است؛ و بعد دوم، برای مسائل بزرگ اجتماعی و معماهای جمعی، که نیازمند سرمایه اجتماعی بین‌گروهی است و مشارکت همه‌جانبه را می‌طلبد ضروری می‌باشد.

چالش عمده کتاب وی نیز همین بحث است و این که چه باید کرد؟ وی معتقد است که در این زمینه باید هرچه بیشتر تحقیق صورت گیرد. ابعاد سرمایه اجتماعی نیازمند بررسی مفصل هستند، زیرا سرمایه اجتماعی مفهوم یک بعدی نیست و باید بررسی شود که چه نوع سازمان‌ها و شبکه‌هایی باعث ایجاد و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، معامله متقابل، حل معماهای کنش جمعی و گسترش هویت‌های جمعی می‌گردد. وی کار خود را در کتاب *بولینگ بکنفره* بیشتر متمرکز بر تراکم زندگی انجمنی و در کار اولیه در ایتالیا بر تأثیر شبکه‌های افقی نسبت به عمودی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌بیند.

وی معتقد است که ارزشیابی پخته و جامعی از تغییرات در سرمایه اجتماعی آمریکا در ربع قرن گذشته مورد نیاز است و بررسی کمبود مشارکت اجتماعی نیازمند بررسی است. به هر حال، بدون نگاه رؤیایی به شهرهای کوچک و یا زندگی مدنی طبقه متوسط در دهه ۵۰، علاوه بر جریان‌های غیرمفیدی که در کتاب *بولینگ بکنفره* مطرح شده، پاتنام برخی جریان‌های مفید را در چند دهه اخیر نیز ملاحظه می‌نماید مانند: کاهش تحمل‌ناپذیری و افزایش مدارا و کاهش تبعیض آشکار، و این جریان‌ها شاید در رابطه پیچیده‌ای با از بین رفتن سرمایه اجتماعی سستی بوده است.

در آخر، پاتنام به این نکته اشاره دارد که باید سیاست‌های عمومی که اتخاذ می‌شود وضعیت شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را نیز در نظر داشته باشند و اتخاذ سیاست‌هایی که نتایج آن تخریب سرمایه اجتماعی می‌باشد باعث ایجاد ضرور و زیان‌های جبران‌ناپذیر خواهد شد. برای مثال، سیاست‌های دهه ۵۰ و ۶۰ در پاکسازی زاغه‌های اطراف شهری باعث بازسازی سرمایه فیزیکی به هزینه سنگین از بین رفتن سرمایه اجتماعی گردید و یا تصمیمات تشویقی دولت در زمینه فعالیت‌های خیریه‌ای و تأثیر آن بر کاهش مالیات می‌تواند به یک سیاست تشویقی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی منجر گردد.

پاتنام در قسمت انتهایی کتاب خود نکاتی را مطرح می‌کند که باید تا سال ۲۰۱۰ مدنظر قرار گیرد تا باعث رشد سرمایه اجتماعی در امریکا گردد، مانند: تربیت نسل جدید به گونه‌ای که از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود مشارکت بیشتری داشته باشند، تغییر در الگوهای مکانی کاری به نفع خانواده، دوستان و هم‌مشریان به گونه‌ای که ذخیره سرمایه اجتماعی در داخل و خارج از محیط کار افزایش یابد، الگوهای کار نیمه‌وقت نسبت به تمام‌وقت نیز بر رشد سرمایه اجتماعی تأثیر قابل‌ملاحظه دارد، الگوهای سکونت در حاشیه شهرهای بزرگ نیز نقش چشمگیری در کاهش سرمایه اجتماعی دارد که نیازمند بررسی و ملاحظه است، روحانیون، متالهان، رهبران غیر روحانی و عامه مردم خداپرست اعتقادات مداراگرایانه و روحیه پذیرش تکرر در بین مردم را

ترویج نمایند، شیوه‌هایی اتخاذ شود که مردم کمتر به صورت منفعل در برابر سرگرمی‌های الکترونیک اوقات فراغت خود را بگذرانند و بیشتر به تفریحاتی بپردازند که به تقویت مشارکت‌های اجتماعی منجر شود. در جهت رشد و گسترش سرمایه اجتماعی بین گروهی، از هنر به عنوان وسیله‌ای برای گرد آوردن گروه‌های متنوع از شهروندان استفاده شود.

حکومت و سیاست نیز باید به بازسازی وضعیت ارتباطات مردمی، اعتماد و مشارکت مدنی بپردازد و مقامات حکومتی، مشاوران، سیاستمداران و همه شهروندان باید ملاحظاتی را در سال‌های آینده در جهت رشد و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی داشته باشند. مانند: استفاده از وسایل عمومی در رفتن سرکار یا محل، حضور در نشست‌های عمومی، خدمت در گروه‌ها و کمیته‌های گوناگون، شرکت در رقابت‌های انتخاباتی و رأی دادن و... پاتنام بر این باور است که مدنظر قرار دادن این فعالیت‌ها شاید تا چند سال آینده وضعیت کاهش سرمایه اجتماعی در سه و یا چهار دهه اخیر در امریکا را تا حدودی جبران نماید.

سیداحمد فیروزآبادی فارغ‌التحصیل دوره دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران است.